

در پی برکناری امام جمعه لواسان؛

نظام، اراده و جدیت لازم را در مبارزه با مفسدان کلان ندارد

«همه افراد به خصوص جوانان آرمانخواهی که سودای عدالتخواهی و مبارزه با فساد مالی و اقتصادی را در جمهوری اسلامی دارند بدانند که باید باده این دو آرمان را به اندازه ای بنوشند که موجب حساسیت، رنجش و احساس خطر بالادستی ها نشده و عمدتا مایه ویتترین آرایبی نظام باشند.»

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، مهدی نصیری روزنامه نگار اصولگرا در یادداشتی نوشت:

همه خبردار شدیم که حجت الاسلام سید سعید لواسانی امام جمعه عدالتخواه لواسان از منصب امامت جمعه برکنار شد.

این خبر باعث شگفتی عده زیادی و به خصوص جوانان عدالتخواه شد، هر چند این گونه اخبار، دیگر برای اقشار وسیعی از مردم، شگفت آور نیست، چرا که به درستی دریافته اند که این تناقضها و عملکردهای عاری از منطق، در بسیاری از نهادهای جمهوری اسلامی به قاعده تبدیل شده است.

مردم دیگر اصلا تعجب نمی کنند که چطور با برخی امامان جمعه متنفذ که گاه و بیگاه با طرح مطالبی، موجب وهن دین و نظام می شوند و موجی رسانه ای ایجاد می کنند برخوردی صورت نمی گیرد اما امام جمعه ای که به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خود در باره مفسدان اقتصادی در حوزه امامت جمعه خود عمل کرده است، کنار گذاشته می شود تا مایه عبرت امامان جمعه دیگر شود و آنها حد و مرز خود را بشناسند.

به خاطر می آورم که در اوایل دهه هشتاد یکی از جوانان دانشجوی عدالتخواه به سراغ من که در دهه هفتاد در نشریه صبح به طور جدی و پی گیر به مفاسد و تخلفات اقتصادی می پرداختم، آمد و از من خواست که به او در مورد فعالیت های عدالتخواهانه مشورت بدهم اما او در کمال تعجب با مخالفت صریح من مواجه شد. به او گفته بودم هرگز ورود به این عرصه را به شما و هیچ جوان دیگر توصیه نمی کنم چرا که در این مسیر با ناکامی ها و تناقضهایی مواجه می شوید که شما را نسبت به نظام و حکومت دینی مساله دار خواهد کرد بدون آن که به نتایج ملموسی برسید.

اگر امام جمعه لواسان هم با من مشورت می کرد، انتهای این مسیر را به او می گفتم، هر چند معتقدم حرکت او در این مسیر نتایج مطلوبی داشته و مایه آبرو برای طیفی از روحانیت ساده زیست، شجاع، مردمی و عدالتخواه شد.

اما در هر صورت برای او توضیح می دادم که نظام، عزم، اراده و جدیت لازم و کافی را در امر عدالتخواهی و مبارزه با مفسدان کلان و متنفذ اقتصادی از سال ۷۰ به این سو که زاویه فساد و رانت خواری و بریز و بیاش کم کم باز شد، نداشته و اگر شعارها و رهنمودهایی در باب عدالت و مبارزه با مفاسد مطرح می شود بخش مهم آن ناظر به درست کردن ویتترین نظام است و نه مبارزه قاطع و فراجناحی با فساد.

یکی از عوامل این تعلل و کوتاهی و ناتوانی نظام در برخورد با فساد گسترده اقتصادی که ایران را در یکی از بالاترین رتبه های جهانی فساد قرار داده، آلوده بودن افرادی از هر دو جناح در سه دهه اخیر بوده که باعث توافق نانوشته ای بین آنان در کوتاه آمدن در مبارزه بوده است اگر چه در یک دهه و نیم اخیر پای برخی افراد وابسته به نهادهای انقلابی و انتصابی به این گرداب هائل باز شده و دورنمای مبارزه بدون تبعیض با فساد را بیش از پیش تاریک کرده است.

در چنین شرایطی طبیعی است که نهادهای بالادستی مسئول، به هیچ کس اجازه فراتر رفتن از یک چارچوب و حد و مرز مشخصی را در عرصه عدالتخواهی و فسادستیزی ندهند و راه او را با عزل یا تهدید و یا حتی محاکمه به ادله ای عجیب مثلا وجود یک کامنت توهین آمیز در پای نوشته یک عدالتخواه، سد کنند.

بنا بر این لازم است همه افراد به خصوص جوانان آرمانخواهی که سودای عدالتخواهی و مبارزه با فساد مالی و اقتصادی را در جمهوری اسلامی دارند بدانند که باید باده این دو آرمان را به اندازه ای بنوشند که موجب حساسیت، رنجش و احساس خطر بالادستی ها نشده و عمدتا مایه ویتترین آرایبی باشند و الا بهتر است از چنین اندیشه و آرمانی دست بکشند و به دین و دنیای خود بپردازند. به قول حافظ شیرین سخن:

صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش بادور نه اندیشه این کار فراموشش باد!